هزاران نفر از منافقین تواب سال ۶۷ عفو شدند/محافظ شهید لاجوردی تواب بود

"در زمان عملیات مرصاد بود که بخشی از منافقین در داخل زندان پوتین‌ها در پای‌شان بود و می‌گفتند آنها (ارتش مجاهدین) به تهران می‌آیند".

۰۲ مرداد ۱۳۹۶ - ۰۹:۵۷ | سیاسی | قوه قضائیه | سایر حوزه ها |

گروه سیاسی خبرگزاری تسنیم ـ **عباس کلاهدوز و محمدعلی سافلی:** او را در دستگاه قضایی همه به تواضع، روی خوش و برخورد مهربانش می‌شناسند، شاید همین علت بود که وقتی شهید لاجوردی سازمان زندانها را ترک می‌کرد، خطاب به کسانی که از رفتن وی ناراحت بودند، گفت "نگران نباشید، یک نفر بهتر از من می‌آید".

سید مرتضی بختیاری متولد 1331 در مشهد است. وی دانش‌آموخته مدرسه حقانی است و مانند سایر طلاب این مدرسه در ابتدای انقلاب به‌دعوت شهید قدوسی وارد مسئولیت‌های قضایی شد.

در کارنامه کاری وی معاونت اداری و مالی دادسرای انقلاب تربت حیدریه، جانشین دادستان انقلاب کاشمر، دادستان انقلاب بیرجند، قائن و نهبندان، مدیرکل دادگستری استان فارس، رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور (1376–1383)، استانداری اصفهان و وزارت دادگستری و عضویت در هیئت امنای کمیته امداد وجود دارد.



از راست به چپ: اسدالله جولایی، شهید لاجوردی و سید مرتضی بختیاری

سید مرتضی بختیاری از جمله معدود مسئولانی است که رفتار متواضعانه و مهربانانه‌اش با سایرین به‌ویژه اهالی رسانه، هرگز دستخوش تغییر نشده؛ چه آن زمان که بر عالی‌ترین مسند وزارت دادگستری تکیه زد و چه امروز که در جوار مطهر رضوی به‌عنوان قائم‌مقام آستان قدس مشغول خدمت‌رسانی به زائرین این آستان است.

قرار مصاحبه با بختیاری را با وجود مشغله فراوانش اول صبح روز شنبه در تهران گذاشتیم تا از وی درباره دهه شصت و خاطرات آن سالها بشنویم. با حوصله و طمأنینه تک تک سؤالات ما را شنید و به آنها پاسخ داد. در اثنای مصاحبه هم، سمت و سوی سؤالات به‌سمت شهید لاجوردی رفت. **او که جانشین لاجوردی در سازمان زندانها بود از نبوغ و همچنین اشراف این شهید سخن به میان آورد و بدگویان وی را به توبه سفارش کرد.**

خبرنگاران سیاسی تسنیم در سلسله گفت‌وگویی‌هایی در قالب تاریخ شفاهی با شاهدان، ناظران و راویان عینی دهه 60 که خود در زمره نقش‌آفرینان تاریخ انقلاب اسلامی هستند به ناگفته‌ها و کمترگفته‌های این دهه با تمرکز بر اقدامات جلادان آن دوره یعنی منافقین خواهند پرداخت. در این میان هر کدام از این راویان در کسوت‌های مختلف در دهه 60 قرار داشته‌اند؛ به‌طور مثال یکی عضو تیم حفاظت مسئولین بوده، دیگری در مقام قاضی و حاکم شرع نشسته بود، آن یکی مسئولیت زندان اوین را به‌عهده داشته و دیگری از مسئولان امنیتی وقت بوده است.

این گفت‌وگوها و گزارش‌ها از (یک‌شنبه، 11 تیر) در قالب پرونده "**دهه 60؛ یک دهه یک قرن**" در سرویس سیاسی خبرگزاری تسنیم منتشر شده و از همه علاقه‌مندان و شاهدان این دهه دعوت می‌شود ما را در این مسیر یاری کنند.

در همین زمینه بخوانید:

متن پیش‌رو حاصل مصاحبه تسنیم با سید مرتضی بختیاری رئیس پیشین سازمان زندانها و جزو حاکمان شرع دهه شصت است که از منظرتان می‌گذرد:

تسنیم: مقام معظم رهبری در سخنرانی‌شان در حرم امام راحل(ره) فرمودند "دهه‌ی 60، یک دهه‌ی مظلوم است.... دهه‌ی فوق‌العاده مهم و حسّاس و درعین‌حال ناشناخته و اخیراً به‌وسیله‌ی برخی از بلندگوها و صاحبان بلندگوها مورد تهاجم؛ دهه 60 را مورد تهاجم قرار می‌دهند." به‌نظر شما دهه 60 چه ویژگی‌هایی دارد که رهبر انقلاب توجه ویژه به آن را گوشزد کردند؟ ویژگی‌هایی که رهبر انقلاب فرمودند نباید جای جلاد و شهید در آن عوض شود.

دهه شصت به گونه‌ای توسط بعضی از افراد، مغرضانه یا غیرآگاهانه دارد ترسیم می‌شود. می‌طلبد عزیزیانی که دست اندرکار آن روزهای تاریخ بودند، وقایعی که در دهه 60 اتفاق افتاد را ترسیم کنند و اطلاعات خودشان را برای نسل‌های آینده در اختیار بگذارند که استحضار داشته باشند در اوایل پیروزی انقلاب چه اتفاق‌های تلخ و شیرینی در صحنه‌های انقلاب به وجود آمد.

من فکر می‌کنم چند ویژگی برای دهه شصت باید نام برد. اولا دهه 60 دهه حاکمیت جمهوری اسلامی ایران با رهبری امام بزرگوار است که خود این یکی از افتخارات دوران تمدن اسلامی است. چنین شخصیتی که با تمام وجودش در خدمت اسلام و قرآن بود و لحظه‌ای برای دفاع از اسلام درنگ نمی‌کرد و زیر بار شدیدترین حملات دشمنان تا مرز شهادت پیش رفت و اگر حمایت‌های مراجع وقت در زمان نظام سلطه‌گر پهلوی نبود، حضرت امام اعدام می‌شد. چنین شخصیتی که به اذعان همه بزرگان یکی از مصادیق بارز تبلور فرهنگ اسلام و قرآن در زمان خودشان بودند.



تسنیم: یکی از مسائل مطرح در دهه شصت، بحث گروهک منافقین یا همان سازمان مجاهدین خلق است که به فاصله دو سه سال بعد پیروزی انقلاب علیه نظام دست به اسلحه بردند. مواجه شما با این سازمان از چه زمانی شکل گرفت و آیا پیش از انقلاب نیز با آنها برخوردی داشتید؟

داستان‌های قبل از پیروزی انقلاب را ما نمی‌توانیم نادیده بگیریم. جریان نفاق یکی از آنها است. جریان سازمان -من با برخی از آنها ارتباط داشتم- حرکتی بود که ظاهر و شعار آن "فضل‌الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما" بود که بسیار زیبا است. در راس سازمان آن زمان امثال حنیف‌نژاد، رضایی‌ها و سعید محسن بودند و اینها در جلسات قرآنی حضور فعال داشتند. خصوصا جلسات قرآنی آیت‌الله طالقانی.

آیت‌الله خامنه‌ای پیش از انقلاب به ایدئولوژی منافقین شناخت کامل داشت

آن موقع حرکت‌هایی که انجام می‌گرفت در قدم های اولیه مورد حمایت بود تا رسید به جایی که حمایت امام هم لازم شد. من آن زمان یادم هست در سال 53، 54 در مشهد مقدس خدمت مقام معظم رهبری رفتم که در جلسات قرآنی ایشان در مشهد خیلی چیزها یاد گرفتیم. همه آنهایی که در صحنه‌های مبارزه ایستادگی کردند و منحرف نشدند به برکت آن جلسات قرآنی مقام معظم رهبری در مشهد بود که خیلی تاثیرگذار بود.

من با یکی از طلبه‌ها خدمت ایشان رفتم و راجع به تفسیر سوره محمد و سوره فتح، مواردی که از ناحیه منافقین مطرح می‌شد را طرح کردیم. البته آن موقع بحث نفاق به این شکل مطرح نبود.

آن زمان که ما خدمت حضرت آقا رسیدیم فرمودند که شنیده‌ها یک سویه است و این شنیده‌های یک سویه برخواسته از ایدئولوژی مجاهدین بود. حرف‌های ایشان خیلی به ما کمک کرد و مشخص شد همان موقع مقام معظم رهبری از لحاظ ایدئولوی نسبت به مجاهدین خلق شناخت کامل داشت داشتند.

انحراف مجاهدین در این بود که "هدف وسیله را توجیه می‌کند"

نمی‌خواهم بگویم حنیف نژاد با رجوی یکی است یا احمد رضایی و بدیع زادگان با رجوی یکی هستند، آنها با عقیده در راه اسلام بودند اما وقتی ایدئولوژی، ایدئولوژی اسلام ناب نباشد ادامه آن به اینجا می‌رسد. شاید یکی از دلایل انحراف نفاق که با صراحت مشخص شد، رسیدن به این نظریه بود که هدف وسیله را توجه می‌کند و می‌گفتند ما به هدف برسیم ولو اینکه یک بچه شیرخوار کشته شود. این بر می‌گردد به ایدئولوژی که اینها داشتند. کسانی این را تشخیص می‌دادند مانند مقام معظم رهبری و شهید مطهری که تسلط کافی روی معارف اسلامی داشتند.



من هرگاه تفسیر سوره فتح و محمد(ص) مجاهدین را می‌خواندم لذت می‌بردم. کتاب قیام امام حسین (ع) احمد رضایی را می‌خواندم احساس می‌کردم در مبارزه عقب هستم. اینها در شرایطی بود که یک سری از علما هم از آنها حمایت می‌کردند.

موضع امام در نجف تکلیف مجاهدین خلق را مشخص کرد

تسنیم: در همان کتابهایی که فرمودید آیا رگه‌های انحراف مشاهده می‌شد؟ برخی معتقدند سازمان از بدو پیدایش نیز دچار انحراف بود اما شرایط مبارزه اجازه نمی‌داد که این انحرافات بروز عینی داشته باشد. مثلا انحرافاتی که در کتاب‌های بنیانگذران سازمان من جمله "شناخت" و "راه انبیا، راه بشر" وجود داشت و یا بعدها سرکردگان آنها در زندان اساساً به مناسک مذهبی تقید نداشتند؟

ما در ارتباط با اینها با احتیاط حرکت می‌کردیم. تعدادی از اعضای سازمان پیش از انقلاب به نجف خدمت حضرت امام رفتند و نشست‌هایی با امام داشتند اما موضع حضرت امام و مخالفتشان با این گروه، تکلیف را برای همه روشن می‌کند. شهید هاشمی‌نژاد، آیت‌الله واعظ طبسی و مرحوم عسگر اولادی و تعدادی از مبارزین در زندان بودند، مرحوم عسگراولادی و شهید لاجوردی آن زمان خطشان را از مجاهدین جدا کردند.

مجاهدین خلق آن موقع می‌گفتند ما در جریان مبارزه با امپریالیسم و آمریکا موضع مشترکی با چریک‌های فدایی خلق داریم بنابراین آنها را دیگر نجس نمی‌دانستند و در زندان آنها لباس‌های اینها را می‌شستند و اینها لباس‌های آنها را! این یکی از مواردی بود که آن رگه‌های انحراف که شما گفتید، مشخص می‌کرد.

بزرگترین خدمت حضرت آقا نسبت به خودمان همان نشست نیم ساعته بود که ایشان به آن رگه‌های انحراف اشاره کردند و ما با احتیاط به آنها نگاه می‌کردیم. بعد جریان اپورتونیست‌های چپ نما به وجود آمد که من آن موقع قم بودم.

تسنیم: چه سالی بود؟

سال 54 بود. من قبل از اذان صبح آمدم وضو بگیریم و به حرم حضرت معصومه بروم، دیدم که در کفشم اعلامیه هست. دیدم مجاهدین خلق با صراحت اعلام کردند که ما به این نتیجه رسیدیم با اعتقاد به خدا نمی‌شود مبارزه را ادامه داد.

می‌خواستند آیت‌الله لاهوتی را در کوچه خفه کنند

وقتی من این را خواندم به اتاق برگشتم و فهمیدم مجاهدین از آنجا در خط نفاق افتاده‌اند همان کسانی که در مشهد امام جماعت بودند و درس نهج‌البلاغه می‌دادند دیگر در ماه رمضان روزه خوردند. حتی یادم هست که آقای لاهوتی مخالف اپورتونیست‌های چپ نما بودند. ایشان را یک روز در کوچه می‌خواستند خفه کنند و عمامه‌شان را دور گردنش پیچیدند که موفق نمی‌شوند.

اینها را باید کسانی که این وقایع را دیده‌اند بنویسند چون این مسائل رگه‌های نفاق را برای آدم ثابت می‌کند. این یکی از نگاه‌هایی است که ما در دهه 60 تبلور آن را می‌بینیم. آن نگاهی که حضرت امام نسبت به اینها داشتند که نقل قول شده که امام فرمودند اینها آمدند و مطالبشان را گفتند و پس از آن من به چند سوال رسیدم و به این نتیجه رسیدم که اینها قابل حمایت نیستند البته من نقل به معنا می‌کنم.

سران سازمان مجاهدین باصراحت گفتند به امام اعتقادی نداریم

حرکت نفاق در دهه 60 با این مقدمات و رگه‌ها که خدمتتان عرض کردم به وجود آمد. اینها اصلا اعتقادی به امام نداشتند و من به دلیل اینکه دلم برای اینها می‌سوخت با تعدادی از سران اینها در مشهد جلساتی گذاشتیم و در حد معلومات خودمان بحث می‌کردیم.

در عین حال همان موقع‌ها به صراحت می‌گفتند که امام را قبول نداریم الان که داریم پشت سر امام حرکت می‌کنیم برای این است که به هدف برسیم و ما برای رسیدن به هدف از هر وسیله‌ای استفاده می‌کنیم اینها یقینا به امام اعتقاد نداشتند.



در اواخر 58، خط اینها جدا شد ولی در عین حال باز هم جرات نمی‌کردند به امام اهانت کنند و اصلا امام را قبول نداشتند. اینها یک جریان پیچیده تشکیلاتی یافتند که از پیروزی انقلاب حسابی بهره‌برداری کردند. بخش قابل توجهی از سلاح‌هایی که دزدیده شد از پادگانها رفت در خانه‌های تیمی منافقین. اینها به شدت دنبال این بودند که کسانی می‌توانند در موضع ضد امپریالیستی مقاومت کند که خط مجادله داشته باشند و غیر از آن را اصلا قبول نداشتند.

آن زمان اگر می‌گفتیم کسی سرسپرده امپریالیسم است اصلا باورکردنی نبود. از شخصیت‌هایی که باز این خط را آشکار کرد خود امام بود.

امام سال 58 با صراحت گفتند «مجاهدین خلق» در دامن امپریالیسم است

من خاطر دارم در اسفند 58 با صراحت امام فرمودند که اینها در دامن امپریالیسم هستند که آن زمان در روزنامه‌های خودشان چند نمونه آوردند که ما در خط امپریالیسم نیستیم اما بعدها مشخص شد امام قبل از انقلاب نگاه هوشمندانه به اینها داشتند و اعمال اینها بعد از انقلاب این خط را کاملا تبیین می‌کرد که در دامن امپریالیسم هستند و بعدها که پرده‌ها بیشتر بالا رفت دیده شد اینها مهره امپریالیسم هستند.

البته شاید بنیانگذارانشان هدف‌های مقدسی هم داشتند اما زمان که گذشت آنها در مسیر و ایدئولوژی شان رگه‌های انحرافی وجود داشت.

عده‌ای سال 67 درون زندان آماده پیوستن به ارتش منافقین بودند

تسنیم: در اثنای صحبت به بحث تشکیلاتی بودن سازمان اشاره کردید. یکی از مسائلی که نظام همواره با آن درگیر بود بحث نفوذ است. منافقین نیز در آن سالها نفوذی‌هایی در مراکز حساس داشتند. سیستم تشکیلاتی سازمان به چه شکل بود و چگونه افرادی را به داخل سیستم نفوذ می‌دادند؟

بعد از پیروزی انقلاب مخصوصا سال 58 و 59 رگه‌های آشکار ارتباط بین اینها و بنی‌صدر بوجود آمد. خطی که دفتر همکاری‌های مردم و رئیس جمهور (بنی‌صدر) دنبال می‌کرد و یکی شدن با منافقین در شهرستان‌ها، پیچیدگی تشکیلاتی عجیبی در اینها ایجاد کرده بود که من فکر می‌کنم دلایل این پیچیدگی‌ها تبلور آن در سال 67 و قضیه عملیات مرصاد بود یعنی اینها در داخل زندان در سال 67 پوتین‌ها در پایشان بود و گفتند، آنها(ارتش مجاهدین) به تهران می‌آیند.

منافقین می‌گفتند در دفتر امام و مجلس هم نفوذی داشتیم

این پیچیدگی تشکیلاتی در اینها واقعا عجیب بود زمانی که من خودم دادستان بودم، خیلی پیچیده عمل می‌کردند و واقعا اطلاعاتی در داخل اینها به وجود می‌آمد که از بیرون زندان به داخل زندان می‌رفت. آنقدر پیچیده بود که به زحمت می‌توانستیم بفهمیم اینها کجا عامل دارند و وقتی که اتفاق حزب جمهوری اسلامی افتاد چند نفر دستگیر شدند.



زمانی که شهید لاجوردی از اینها بازجویی کرده بود، گفته بودند که حتی در مجلس و دفتر امام ما عامل نفوذی داشتیم یعنی در این حد اینها پیچیده عمل می‌کردند و وقتی عملیات مرصاد به آن نقطه رسید، برخی در داخل زندان پوتین پایشان کرده بودند که به یاری رجوی بروند. این که عرض می‌کنم مستند است.

هزاران نفر سال 67 عفو خوردند و آزاد شدند

تسنیم: اخیراً برخی فریب‌خوردگان داخلی همنوا با جریان نفاق برای این افراد که به قول شما پوتین پایشان بود، دلسوزی می‌کند و مدعی هستند منافقینی که در سال 67 توسط حضرت امام محکوم به اعدام شدند، حکم محکومیت داشتند که در حال طی شدن بود در حالیکه از این افراد جرایم دیگری کشف شده بود یا در زندان مشغول توطئه و آشوب بودند. نظرتان درباره ضربه سال 67 نظام به منافقین و شبهاتی که اخیرا حامیان آنها در این زمینه مطرح می‌کنند، چیست؟

آن زمان جمعی از آنها وارد ایران شدند و مردم را به خاک و خون کشیدند. با حمایت از شخص صدام وارد کرمانشاه شدند و می‌خواستند به همدان بیایند و از همدان به تهران و بعد هم حکومت را سرنگون کنند. بعد هم اینها به هم ملحق بشوند. حکم اینها از نظر شرعی چیست؟ نظام هر کاری کرد اینها از موضعشان پایین نیامدند و صریح اعلام کردند می‌خواهند به افرادی که از مرز رد شدند، بپیوندند.

اگر از موضعشان کوتاه می‌آمدند عفو می‌خوردند. وقتی جریان عملیات مرصاد پیش آمد، آیت‌الله ری‌شهری وزیر اطلاعات بود و از امام تقاضا کرد و هزاران نفر از منافقین تواب در زندان آزاد شدند. اینها سندش هم هست. در همان شرایطی که حکم امام رسید تا منافقینی که بر سر موضع پافشاری دارند اعدام شوند، حدود 7 هزار نفر را در کنار آن داریم که آزاد شدند.

منافقین به بچه در بیمارستان اسلام آباد رحم نکردند و بیماران را کشتند (مجروحان جنگی هم نبودند) ما از اسلام یاد گرفتیم مجروح جنگی را هم به عنوان اسیر درمان کنیم نه اینکه بکشیم. در شهر ببینید چه جنایاتی را آفریدند نه به بچه رحم می‌کردند و نه به پیر این همان چیزی است که برای رسیدن به هدف از هر وسیله‌ای استفاده می‌کردند و مهم رسیدن به هدف بود و ابزار برایشان مهم نبود.

کارهای امروز داعش با کار منافقین در دهه 60 تشابه دارد

تسنیم: چه شد که گروهی مبارز سر از اینجا در آورد و روی مردم خودش اسلحه کشید؟

امام فرمودند اینها در دامن امپریالیسم هستند. برخی از این صحبت امام رو ترش کردند و گفتند چنین چیزی امکان پذیر نیست و دیدیم که امکان پذیر بود.

اینها اگر فردا سر از اسرائیل در آوردند، شک نکنید. در دوران 8 سال دفاع مقدس چه کسانی در برابر ما قرار گرفتند. من خودم در برخی از عملیات‌های منافقین را دیدم. ببنید وطن‌فروشی در چه حد؟! اینها به همان رگه‌های انحراف بر می‌گردد که به اسم آیات قرآن و به اسم فضل‌الله المجاهدین جنگ می‌کردند که انقلاب ما را بشکنند و نظام را سرنگون بکنند.



سید قطب می‌گوید یکی از ابزارهایی که در طول تاریخ برای ضربه به اسلام کارگر بود، استفاده از مذهب علیه مذهب بود. الان هم اینگونه است. شما ببینید داعش به نام اسلام حرکت می‌کند. اتفاقا در سال 60 اتفاقاتی که از منافقین سر زد تشابه واقعی دارد با کارهایی که داعشی‌ها می‌کنند. شما حساب کنید سر افطار خانه یک محرومی رفته‌اند بچه کوچک، خانم و آقا نشسته‌اند و جرم این آقا این است که طرفدار انقلاب است. وقتی وارد شدند، اولین نارنجکی که انداختند یک بچه کوچک کشته شد و همه را شهید کردند.

شهید مظلوم آیت‌الله دکتر بهشتی که به عنوان سیدالشهدای انقلاب از او و 72 یار باوفایش یاد می‌کنیم، از آن ایدئولوگ‌هایی بود که این رگه‌ها را خوب تشخیص می‌داد. آیت‌الله مطهری، شهید بهشتی و مقام معظم رهبری کسانی بودند که این رگه‌ها را خوب می‌شناختند و موضع اینها نسبت به نفاق سرسختانه بود. جنایاتی که اینها کردند چه کسی می‌تواند فراموش کند؟ منافقین نه به پیرمرد رحم کردند و نه به جوان. شهدای محراب ما چه کسانی بودند؟ آیت‌الله اشرافی اصفهانی چند سال سن داشت؟ آیت‌الله دستغیب چند سال داشت؟ اینها هدف داشتند و می‌گفتند ما باید بازوان امام را از بین ببریم تا به خود امام برسیم و برخی مصاحبه‌هایشان می‌گفتند ما دنبال این بودیم که امام را سالم دستگیر کنیم.

اینکه رهبری فرمودند جای جلاد و شهید نباید عوض شود برای همین موضوع است. حزب‌اللهی‌ها صبح که می‌خواستند از خانه بیایند بیرون وضو می‌گرفتند و غسل شهادت می‌کردند و جو ناامنی بوجود آوردند و جنایت و خیانت می‌کردند خب حکم اینها چیست؟ اصلا بحث اسلام جدا، آنهایی که اینگونه با نظامشان برخورد می‌کنند حکمشان چیست؟

نمونه‌هایی از نبوغ و اشراف شهید لاجوردی در شناخت جریان نفاق

تسنیم: شما بعد از مرحوم شهید لاجوردی به ریاست سازمان زندانها منصوب شدید و در آن دوران و پیش از آن نیز با ایشان مانوس بودید. ویژگی‌های‌آن مرحوم در شناخت خط نفاق و برخورد با منافقین چگونه بود؟

اگر قاطعیت شهید لاجوردی‌ها و قاطعیت حکام شرعی که در آن زمان بودند و جانشان را کف دست گذاشته بودند اگر فداکاری و قاطعیت اینها نبود، شاید ریشه نفاق به این زودی‌ها خشکیده نمی‌شد. اینها عشقشان بود که در جبهه‌ها بجنگند اما وظیفه‌شان را در تهران یافتند. خدمتی که شهید لاجوردی برای ریشه کن کردن منافقین کرد، فکر می‌کنم هیچ کس نکرد یا شخصیت‌هایی که در مراکز استانهای حساس مانند مشهد، اصفهان و شیراز کردند توانست نفاق را ریشه کن کند.

در یکی از پرونده‌ها من یادم نمی‌رود، ما یکی از اینها را دستگیر کردیم. 3 دقیقه گذشت و بعد از 5 دقیقه اعتراف کرد. وقتی اعتراف کرد ما به داخل خانه تیمی رفتیم ولی دیدیم هیچ‌کس در آن خانه نیست یعنی دقیقا حساب شده کار می‌کردند. ما در خانه تیمی آثار منافقین را دیدیم خودشان نبودند. من قضیه را به شهید لاجوردی در زندان اوین گفتم.

من در بعضی از پرونده‌ها از لاجوردی کمک می‌گرفتم شهید لاجوردی روی تخته نام شخص را می‌نوشت و همینطور همه مرتبطین او را نام می‌برد که دستگیر کرده بودند. یکی ایشان و یکی هم آقای رازینی در مشهد اشراف خوبی داشتند.



در عین حال ایشان واقعا با ترحم بود. علیرغم اینکه یک چهره خشنی علیه ایشان ساخته‌اند ولی من قاطع عرض می‌کنم آنهایی که بر این باور هستند بروند و توبه کنند ایشان بسیار آدم مهربان و عطوفت اما قاطع بود و در برابر جریانات انحرافی قاطع می‌ایستاد.

تسنیم: در بحث منافقین بر سر موضع آیا مواردی بود که افرادی توبه غیرواقعی کنند. نقش شهید لاجوردی در توبه کردن منافقین و بازگرداندن آنها از مسیری که به خطا رفته بودند، چه بود؟

یکی از مسائل ما در قوه قضائیه همین بحث توبه‌های تاکتیکی بود که تشخیصش بسیار سخت و در عین حال پیچیده بود. بعضی از اینها که عضو بودند اما اطلاعاتشان را به دست نیاورده بودیم بعدها با کمک شهید لاجوردی می‌فهمیدیم عضو اصلی هستند.

محافظ شهید لاجوردی منافق تواب بود

چقدر از همین‌هایی که توبه تاکتیکی کردند و عفو خوردند، وقتی آمدند بیرون عوض شدند و چقدر هم داشتیم که رفتند در جبهه شهید شدند یعنی هر دو صورت را داشتیم. شهید لاجوردی آمد در مشهد -آن موقع که من در بیرجند دادستان بودم- آمدند در زندان در بند منافقین و بعد هم به قوچان رفتند و وقتی دو سه ساعتی در زندان صحبت کردند چند نفر از آنها گریه کردند. شهید لاجوردی برای اینکه اینها به دامن اسلام برگردند خیلی وقت می‌گذاشت و همین اواخر محافظین او از کسانی بودند که تائب بودند و برگشته بودند و حتی در خانه‌اش شب‌ها از ایشان محافظت می‌کردند.

اینها را که کنار هم قرار بدهیم متوجه می‌شویم چه خطر بزرگی از نظام دفع شد. به برکت مقاومت قضات دادگاه انقلاب مثل شهید لاجوردی و شخصیت‌های بزرگی که واقعا مقاومت کردند و این خیلی ظلم است که آدم اینها را نادیده بگیرد و به تعبیری جای شهید و جلاد را بخواهد عوض کند.

گزارشات غلطی علیه لاجوردی به منتظری می‌دادند

تسنیم: ماجرای برکناری مرحوم شهید لاجوردی از دادستانی انقلاب بر سر اختلافی بود که با آقای منتظری داشتند و فشاری بود که آقای منتظری و جریان حاکم بر دستگاه قضایی وقت که همگی از یک جناح بودند بر شهید لاجوردی وارد می‌کردند؟ عمده این اختلافات بیشتر بر سر چه مسائلی بود؟

این مسئله به ساده‌لوحی مرحوم منتظری برمی‌گردد. منافقین در زندان خودشان را می‌زدند، عکس‌برداری می‌کردند، بعد این عکسها را برای آیت‌الله منتظری فرستادند که در زندان با ما اینگونه رفتار می‌کنند. وقتی اینها را نشناسیم قطعا فریب می‌خوریم و تحت تاثیر قرار می‌گیریم. برخی برای آقای منتظری گزارش غلط می‌بردند و می‌گفتند مثلا مرحوم لاجوردی علیه زندانیان بدرفتاری کرده است آن هم انسان معتقدی مانند آقای لاجوردی که قبل از انقلاب زندان رفته و آن همه شکنجه دیده، یک بینایی و استخوان فقرات‌اش را از دست داده بود حال بیاید این کارها را بکند؟

متاسفانه آنقدر جوسازی کرده بودند، این جوسازی با نفوذ برخی از عناصر تاثیرگذار بود و نامه حضرت امام به آیت‌الله منتظری درباره عزل وی از قائم‌مقامی رهبری در 68/1/6 اشاره به همین موضوع دارد. در آن زمان اندیشه منافقین، مظلوم‌نمایی و توطئه و حرفه‌ای عمل کردن آنها تاثیرگذار بود. جوری صحنه‌سازی می‌کردند که اگر آن را جلوی کسی که خطوط اینها را نمی‌شناخت قرار می‌دادند یقینا تحت تاثیر قرار می‌گرفت.

ببینید در رابطه با شهید مظلوم بهشتی چه صحنه‌هایی درست کردند. آیا جز منافقین بودند؟ امام می‌فرمایند که شهادت شهید بهشتی در برابر مظلومت او ناچیز است.



شهید بهشتی گفت اگر علیه من شعار دادند، اقدامی نکنید

خوب است خاطره‌ای از شهید بهشتی بگویم. شهید بهشتی می‌خواستند به تربت حیدریه بیایند. ما با دادستان و حاکم شرع و فرمانده سپاه به استقبال آیت‌الله بهشتی رفتیم.

آیت‌الله بهشتی گفتند من وقتی وارد تربت حیدریه می‌شوم شعار علیه من می‌دهند، «مرگ بر بهشتی» می‌گویند بگویید هیچ کس موضع‌گیری نکند و عکس‌العمل نشان ندهد و همینطور هم شد. وقتی وارد تربیت حیدریه شدند به طرف مسجد جامع رفتند. شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی پشت تریبون ایستادند و سخنرانی بکنند منافقین که در صفهای جلو ایستاده بودند، این شعار را دادند که " بهشتی، بهشتی/طالقانی را تو کشتی"!

وقتی جو آرام شد ایشان سخنرانی کردند که سخنرانی عجیبی هم بود خط نفاق، منافقین برای زدن شهید لاجوردی از جهت حذف فیزیکی خیلی توطئه کردند اما نتوانستند. یکی از شگردهای منافقین حذف شخصیتی بود بعد از حذف شخصیتی یک موج‌آفرینی‌هایی کردند که در زندان‌ها چه می‌گذرد؟ اینها از همه اهرم‌ها استفاده می‌کردند برای شکستن و حذف آن شخصیت و بعد هم به سراغ حذف فیزیکی می‌رفتند.

در این جا هم نسبت به شهید لاجوردی اینگونه بود. موج خیلی موج سنگینی بود حتی آنقدر سنگین بود که آقای منتظری که تحت تاثیر قرار گرفته بود. شورای عالی قضایی هم تحت تاثیر قرار گرفته بود. در هر صورت به یک جمع‌بندی رسیدند که در شرایط فعلی مصلحت بر این است که ایشان عوض شوند.

شهید لاجوردی گفت سید مرتضی! بنویس؛ یک روز سازمان مجاهدین انقلاب روبروی نظام می‌ایستد

تسنیم: یکی دیگر از ویژگی‌های مرحوم شهید لاجوردی این بود که علاوه بر شناخت خط انحرافی منافقین، نسبت به برخی دیگر از جریانات انحرافی از انقلاب اسلامی بسیار حساس بودند. برای مثال سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که شهید لاجوردی برخی از آنها را در ماجرای انفجار دفتر نخست‌وزیری دخیل می‌دانست و در وصیت‌نامه‌اش آنها را منافقین جدید دانسته بود.

بله همین طور است؛ با شهید لاجوردی یک جایی برای ماموریت می‌رفتیم. من در مسیر به یکی از اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اشاره کردم و به شهید لاجوردی گفتم نظرش درباره این فرد چیست؟ شهید لاجوردی گفتند "سید مرتضی! یادداشت کن که اینها روزی روبروی نظام خواهند ایستاد."

ایشان جریانات فکری را می‌شناخت و کلاه سرش نمی‌رفت و چون آنها را می‌شناخت، از هر اهرمی برای شکستن این فرد استفاده می‌کردند. خط نفاق در قالب‌های گوناگون در می‌آید. یک موقع در لباس مجاهدین خلق بود که برای همه آشکار است و می‌خواست خود قرآن و اسلام ناب را از بین ببرد. اینها از انواع و اقسام شیوه‌ها استفاده می‌کردند برای رسیدن به هدف خودشان و اگر نسل امروز از این دسیسه‌ها و شیطنت‌ها با اطلاع نباشد تحت تاثیر قرار می‌گیرد.

ابتکار شهید لاجوردی در کشف خانه‌های تیمی منافقین با استفاده از قانون موجر و مستاجر

یکی از کارهایی که شهید لاجوردی کرد، این بود اینها را از خانه‌های تیمی بیرون بکشد و به همه بنگاه‌ها اعلام کرد که اگر شما به اینها خانه بدهید و مشخص بشود که اینها در خط نفاق هستند حکم شما مانند حکم آنهاست. این باعث شد که گزارش‌هایی آمد و خیلی از آنها دستگیر شدند و بخش بزرگی از خانه‌های تیمی از این طریق لو رفت نه از طریق اعتراف هم‌بندی‌هایشان. همین قانون موجر و مستاجر خیلی کمک کرد البته مردم تهران هم کمک کردند.

موردی بود که شخصی را دستگیر کرده بودیم و شب اعدام خانواده‌اش را آورده بودند آخرین دیدارش را انجام بدهد. مادرش گفته بود که من شیرم را بر تو حرام کردم چون تو جلوی حسین زمان ایستادی که ما همه گریه‌مان گرفته بود و گفت یا توبه کن و یا در کنار یزید خواهی مرد.

خیلی از موارد داشتیم که پدرها دست بچه‌هایشان را گرفتند و تحویل کمیته و اطلاعات سپاه دادند و یکی از دلایل عمده موفقیت شهید لاجوردی پشتیبانی‌های مردم بود.

بیشترین شهید در رابطه با جریان نفاق را مردم تهران دادند و بی‌رحمانه به مردم تهران حمله می‌کردند اما محکم پشت سر انقلاب و امام ایستادند و این جریان را ریشه کن کردند. این توطئه خیلی سخت‌تر از جنگ و خیلی خطرناک بود.

عکس:حامد جعفرنژاد



هزاران نفر از منافقین تواب سال ۶۷ عفو شدند/محافظ شهید لاجوردی تواب بود



سید مرتضی بختیاری



گفت‌وگو با سید مرتضی بختیاری

گفت و گو با سید مرتضی بختیاری



سید مرتضی بختیاری



سید مرتضی بختیاری



سید مرتضی بختیاری



گفت و گو با سید مرتضی بختیاری



سید مرتضی بختیاری



سید مرتضی بختیاری



سید مرتضی بختیاری



سید مرتضی بختیاری



سید مرتضی بختیاری



سید مرتضی بختیاری



سید مرتضی بختیاری



گفت و گو با سید مرتضی بختیاری